

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۷ اکتوبر ۲۰۲۲

بازی با مفاهیم "داوطلبانه" و "اجباری"!

چهارشنبه- ۰۴ عقرب ۱۴۰۱ - کابل: در یادداشت امروز تبصره کوتاهی داریم به ارتباط گشایش یک حساب بانکی جدید از طرف وزارت "انرژی و آب" نظام ملاسالار به منظور جذب "کمکهای داوطلبانه" هموطنان ما جهت تمویل بند "بخش آباد" در ولایت فراه. اما قبل از آن:

۱ - تا جایی که از مطالعه تاریخ کشور ما و بقیه کشورها بر می آید، از زمانه های قدیم یکی از اشکال استثمار بیرحمانه زحمتکشان "کار اجباری" و "بیگار" بوده است. بر مبنای اسناد و مدارک تاریخی، جباران و حکمداران در اقاص نقاط جهان، همیشه کوشیده اند از طریق "بیگاری" و واداشتن زحمتکشان به کار اجباری ضمن آن که زنجیرهای اسارت آنها را تنگتر و محکمتر نموده اند و به وسیله خودشان برای آنها زندان و کشتار گاه ساخته گورشان را با دستان خودشان کنده اند، با امتناع از پرداخت مزد زیر عنوان کار داوطلبانه، ارزش کلی کار آنها را نیز غارت نموده بر دارائی های خود افزوده اند.

به مرور که بند و زنجیرهای مناسبات استثمارگرانه تا حدی سست شد، در کشور ما این شکل کار عمدتاً در نوع کار "حشری" تبارز خود را می یافت. در این نوع کار که پرداخت پول در مقابل کار وجود نداشت، بیشتر در مناطق روستائی و یا هم بین دوستان نزدیک، جهت انجام یک کاری که منفعت همگانی و یا عضو یک خانواده را برآورده می ساخت، تمام اهل قریه و یا یک خانواده، دست و آستین برزده، با خوشی و شادمانی و در فضای کاملاً صمیمانه کار مورد نظر را انجام داده بدان طریق یک معضل محلی، منطقه ئی و یا خانوادگی را به کمک همدیگر برطرف می نمودند.

۲- از آن جایی که در این نوع انجام کار رگه هائی از کار دسته جمعی سوسیالیستی وجود دارد، وقتی نوکران روس یعنی "خلق و پرچم" به حاکمیت گماشته شدند، برای "سوسیالیست نمائی" با تحریف مفهوم کار داوطلبانه و حشری که همه کس با رضای خاطر در آن شرکت می ورزید، ضمن به لجن کشیدن سایر مفاهیم، زیر نام "کار داوطلبانه" مردم را به زور به کار واداشته مفهوم کار داوطلبانه را نیز به لجن کشیدند.

خوب به خاطر دارم در تمام دورانی که زیر سیطره مزدوران روسی به مکتب می رفتیم، سال یک و دو سه بار، از طرف اداره مکتب چه در مکتب ابتدائی درخانی و چه هم در لیسه "نادریه-عمرشید" مجبور ساخته می شدیم تا زیر نام "کار داوطلبانه" به سرکها برآمده، در تنظیف و پاکسازی دور و بر ما حصه می گرفتیم.

این که در جمع صنفی های ما چه تعداد اصولاً با کار دواطلبانه و حشری آشنائی داشتند و چه تعداد بر اساس زندگانی در شهر اصلاً نامی از آن نشنیده بودند، برایم معلوم نیست، اما برای خودم که از محیط روستا برآمده و با مناسبات آن آشنا بودم و ده ها بار دیده بودم که چگونه خرد و بزرگ قریه با رضا و رغبت خاطر جهت انجام کاری، مثلاً ترمیم یک دیوار ویران یک خانواده ناتوان و کم بغل و یا "کاه گل" بامهای یک خانواده دیگر و حتا چیدن علف هرز از کشتزار یک خانواده ناتوان جمع شده، آن کار را با چه شور و شعفی انجام داده بودند، وقتی با ظاهراً "کار دواطلبانه" مگر در حقیقت "اجباری" نوع حاکمیت مزدوران روس مقایسه می نمودم، با تمام وجودم ضمن نفرت از آن متوجه دستبرد این نوکران به یکی از مفاهیم درست و اصولی و قلب ماهیت آن نیز می شدم.

۳- اینک وقتی می خوانم که نظام ملاسالار در پی غارت دسترنج مردم زحمتکش ما و گرفتن مالیه مذهبی و دولتی از آن ها، باز هم زیر عنوان ساختن یک بند آبگردان و تولید برق یک حساب بانکی افتتاح و از مردم می خواهد تا دواطلبانه به آن کمک نمایند، خاطرات تلخ کار اجباری زمان کودکی ام زنده شده، می بینم که عمال دولت در حالی که قمچینی در دست دارند تا دیگران را به کار وادار سازند و آنها را که از انجام کارشاقه و اجباری امتناع می ورزند به اتهام ضد انقلاب مورد بازخواست قرار می دهند، خود سیگرت شان را "پوف" می نمایند.

حال هم وقتی طالب فرمان ایجاد چنین حسابی را صادر می نماید معلوم است که می خواهد بدین وسیله مردم را به جبر و زور وادار به پرداخت مقداری پول نماید. یعنی به همان سان که خلقی- پرچمی ها مردم را وادار می ساختند تا به "کمیته های دفاع از انقلاب" باج بدهند، پول جیب شان و نان دسترخوان شان را اعطاء و خود گرسنگی بکشند و حتا باج خون داده جهت بقای مزدوران روس در قدرت، از جان خود بگذرند، امروز طالب نیز به عین سیاست روی آورده، با افتتاح این حساب و حسابهای مشابه تلاش می ورزند تا آخرین لقمه های نان را نیز از دستر خوان مردم فقیر و نادار براباید.

هموطنان گرامی!

شرکت و کمک دواطلبانه به پروژه های عام المنفعه زمانی می تواند مطرح گردد که اولاً آن پروژه واقعاً عام المنفعه باشد و منفعت احتمالی آینده آن به مردم برگشت نماید نه به جیب این و یا آن شرکت و یا کلیت یک حاکمیت مزدور، دست نشانده و جبار؛ در ثانی مردم ضرورت ساختن آن را خود تشخیص داده با رضا و رغبت بخواهند در انجام آن حصه بگیرند و ثالثاً توان کمک را داشته باشند نه این که به مانند دیروز خلقی ها پرچمی ها مردم بیچاره و گرسنه ما را وادار سازند تا مقداری از نان دسترخوان تقریباً خالی شان را به حاکمیت بدهند و رنه مهر ضد "امارت اسلامی" بر پیشانی شان خواهد خورد.

طالب این را باید بداند که دست درازی به دستر خوان خالی مردم، در نهایت به خشم طوفزای توده های میلیونی این کشور بدل شده، طالب و طالبیسم را به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد. به امید آنروز!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!